

طرفداران جلیلی و قالیباف  
مجادله انتخاباتی را از سر گرفتند

## زخمی که سر باز کرد

**سهمیه متقی، دبیر گروه سیاست:** انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم قریب به ۸ ماه پیش برگزار شد و بر خلاف انتظار جریان اصولگرا که تا پیش از شروع رقابت‌ها و با توجه به تیغ تند شورای نگهبان خود را پیروز بلاتردید و سکاندار و میراث‌دار دولت پس از ابراهیم رئیسی می‌دانست؛ مسعود پزیشکیان، از جمله چهره‌های تغییر خواه با حمایت جریان اصلاحات و خواسته تغییر از سوی مردم پیروز انتخابات شد. از همان دور اول انتخابات در ۸ تیر که نتیجه‌اش رقابت مسعود پزیشکیان و سعید جلیلی در دور دوم شد؛ بحث‌ها و حمله‌های دو طیف اصولگرا، تندروهای حامی جلیلی و نواصولگرایان و حامی محمدباقر قالیباف درباره عدم موفقیت هر یک از این دو کاندیدا آغاز شد. هر یک از این دو طیف فارغ از اینکه رقیب رای آورده‌شان کلاً در یک سپهر فکری و سیاسی دیگر است و عملاً رای به او بیش از رای به شخص «نه گفتن به آنها» بوده و البته ضرورت یکی شدن سبدرای این دو کاندیدای مختلف از دو طیف اصولگرا نیز در آن بازه زمانی چندان قابل تحقق نبود؛ آن دیگری و عدم انصراف طرف مقابل را علت شکست اصولگرایان می‌دانستند. بعد از ترور سیدحسن نصرالله، موضوع جلسه اجماع مشهد در ششم تیرماه سال جاری با انتشار نامه «خدمای حسن نصرالله در حرم امام رضا (ع)» از سوی حامیان قالیباف بار دیگر این مجادله را تازه کرد. آنها مدعی شدند که در جلسه معروف تیرماه سال جاری در مشهد برای ایجاد اجماع بین جلیلی و قالیباف، سیدحسن نصرالله هم حضور داشته و خواهان کناره‌گیری جلیلی به نفع قالیباف شده است! که جلیلی از آن سر باز زده است. مثلاً محمدحسین مصباح، از چهره‌های نزدیک به قالیباف در شبکه اجتماعی ایکس با انتشار تصویر این نامه نوشت: «اف بر شما که شرایط منطقه را شنیدید و با هوای نفس حاضر به کناره‌گیری نشدید و این مصیبت را تحمیل کردید...». همان زمان بهارنیوز در گزارشی مدعی شد که این جلسه با حضور «اسماعیل قالی» فرمانده سپاه قدس، محسن رضایی، امیر حاجی‌زاده فرمانده هوافضای سپاه قدس و مروی متولی آستان قدس رضوی، برگزار شده و البته اخبار غیررسمی در آن روزها خبر از آن داشت که قالی چنین خواسته‌ای را مطرح کرده است و حالا اینکه واقعا نصرالله در آن جلسه بوده، اطلاعات دیگری در کار نیست، حالا بعد از چند ماه در پی تشییع نصرالله هم بار دیگر این بحث با انتشار تصویری از سوی کانال رجانیز و باز نشر امیرحسین ثابتی مطرح شد. چنانچه سعید جلیلی در جلسه «حکمت سیاسی اسلام در قرآن» در این باره گفته است: «من بودم و جناب آقای قالیباف و جناب آقای قالی» و «در این جلسه» کلمه‌ای هم نه درباره مقاومت بحث شده، نه درباره مباحثی مربوط به مقاومت بحث شده است؛ نه تلفظی زده شده نه کس دیگری در آن جلسه بوده و نه چیزی بوده و مطلب کاملاً کذب و غلطی [مطرح شد...]. حتی بعد از شهادت عزیزمان سیدحسن نصرالله آن افراد خبر کذب [دادند] و این دروغ نسبت کذب به شهید نصرالله است...». در ادامه امیرحسین یزدان‌پناه، عضو ستاد قالیباف نوشت: «در باره آخرین جلسه انتخاباتی با حضور دکتر قالیباف سردار قالی و دکتر جلیلی در مشهد به دلیل برهیز از خدشه و وحدت جریان انقلاب و وجود برخی اسامی و جزئیات که ذکر آن به‌خصوص در شرایط جنگی با رژیم صهیونی به مصلحت کشور نبود، تاکنون بنیادناشتیم حرفی یزینم. با دروغ‌پردازی که انجام شد تمام است و چاره‌ای جز انتشار شرح موقوف جلسات چهارشنبه و پنجشنبه نیست.» و با واکنش علیرضا سلیمانی، سردبیر رجانیز مواجه شد که نوشت: «هشت ماه است که در برابر دروغ‌ها سکوت کردیم و امروز، هیچ هدیه‌ای را بهتر از این نمی‌دانیم که تمام آنچه می‌خواهید را بگویید. همانطور که ادعای دروغین خود درباره جناب سید را پس گرفتید، تمام چیزهای بعدی که خواهید گفت راهم پس می‌گیرید. یک سینه حرف، موج زدن در دهان ما...» البته که حضور همان چهره‌هایی مانند قالی که یک چهره نظامی است؛ خود جای بحث و نقد بسیار دارد. اینکه چهره‌های نظامی در فضای سیاسی اینگونه بخواهند نقش آفرینی کنند؛ با توجه به اینکه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران خواهان فاصله‌گیری نظامیان از سیاست بودند، نیاز به حتی اعتراض دارد. اما مجادله موجود فعلاً بر سر این است که دبیرکل حزب‌الله لبنان چنین خواسته‌ای را از کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری ایران داشته‌است یا نه. فقط سسوال این است دو طرف دعوا به این فکر کرده‌اند که انتخابات ریاست جمهوری مسئله سیاست داخلی است و این نظر نه در مقوله جایگاه نصرالله بلکه در مقوله جایگاه کاندیداهای ما و اثرگذاران بر فعالیت آنها (از سوی یک چهره سیاسی فعال در لبنان) حائز اهمیت و نگران‌کننده است و در نهایت اینکه اصولگرایان این دو طیف به نظر می‌رسد این قدر به بقیه مسائل این ناکامی در انتخابات بی‌توجه هستند که درباره این جلسه و حواشی آن با عبور از ۸ ماه فقط باید در پایان این مطلب نوشت: «ادامه دارد...».



عکس: Getty Images

# نقطه آغاز شکست اصلاحات

## بازخوانی انتخابات شورای شهر دوم و ماجرای که منجر به اولین شکست اصلاحات شد

می‌داد که استقبالی که از این دوره از انتخابات شده، هیچ شباهتی با انتخابات‌های ۵ سال گذشته نداشت؛ روندی که تا ساعت پایانی رای گیری ادامه داشت و اگر دو انتخابات خیرگان دوم و سوم و فاکتور بگیریم، این دوره کمترین میزان مشارکت در انتخابات‌های جمهوری اسلامی را تا آن زمان یا کمتر از ۵۰ درصد رقم زد. در نهایت، مجموعه این عوامل دست به دست هم دادند که در کلان شهر تهران، لیست اصولگرایان که با نام «آبادگران» منتشر شده بود، بتواند از ۱۵ کرسی شورای شهر، ۱۴ کرسی را به‌دست آورد و در حالی که دولت سیدمحمد خاتمی در وضعیت خوبی قرار داشت، با مجموعه اشتباهاتی که انجام شد، فرش قرمز برای جناح راست پهن شد تا بتوانند ابتدا شورای شهر را به‌دست آورده و محمود احمدی‌نژاد را شهردار تهران کنند و یکسال پس از آن با کمک نظارت استصوابی، مجلس هفتم را از آن خود کنند و در نهایت در سال ۸۴، از بازال اشتیباهات اصلاح‌طلبان نهایت استفاده را برده و احمدی‌نژاد را راهی پاستور کنند.

در این ارتباط، با سه نفر از افرادی که در دل ماجرای انتخابات شورای شهر دوم بودند، گفت‌وگو کرده‌ایم. سعید شریعتی (عضو وقت شورای مرکزی جبهه مشارکت و عضو فعلی شورای مرکزی حزب اتحاد ملت)، یدالله طاهرزاد (عضو وقت و فعلی شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی) و امیررضا واعظ‌آشتیانی (عضو وقت لیست آبادگران و عضو فعلی شورای مرکزی حزب مولفله اسلامی)، سه فعال سیاسی هستند که به سوالات مطرح‌شده هم‌مینه پاسخ داده‌اند.

وروستاها شاهد رقابت بین تفکرات مختلف شدند. اما علاوه بر فضای آزادی انتخاباتی که توسط دولت سیدمحمد خاتمی و مجلس ششم ایجاد شده بود، فضای داخلی در بین اصلاح‌طلبان در سمت‌وسویی دیگر قرار داشت. از یکسو، به‌دنبال چالش‌ها و درگیری‌هایی که بین نماینده‌های شورای شهر اول در تهران ایجاد شد، روند در اولین دوره شوراها در پایتخت به‌گونه‌ای پیش رفت که این اختلافات در نهایت منجر به انحلال شورا شد و با اقداماتی که برخی نماینده‌های آن دوره انجام دادند، اولین تجربه پارلمان شهری در تهران با شکست روبه‌رو شد و تجربه‌ای تلخ در حافظه سیاسی به‌ثبت رسید. از سوی دیگر، در حالی که فضای باز سیاسی در دستور کار دولت سیدمحمد خاتمی قرار گرفته بود و فضا برای برگزاری انتخاباتی واقعی و بدون نظارت استصوابی فراهم بود، اصلاح‌طلبان نتوانستند روی ارائه لیستی واحد به توافق برسند و لیست‌های متعددی از سوی آنها ارائه شد. در این بین هم مردم احتمالاً با تصور اینکه دیگر این فضای آزاد تثبیت شده و در آینده فرصت‌ها بسیار است؛ از حضور گسترده در چنین انتخابات آزادی اجتناب کردند. این در حالی بود که در سمت مقابل، جناح راست که از سال ۷۶ به بعد، طی ۵ سال تجربه ۴ شکست متوالی و قاطع در انتخابات‌های ریاست‌جمهوری دوره هفتم، شورای شهر اول، مجلس ششم و ریاست‌جمهوری هشتم را پشت سر گذاشته بود، بالیستی که بیشتر چهره‌های آن ناشناس بودند، وارد عرصه شدند. در چنین شرایطی، انتخابات در روز نهم اسفند در کشور آغاز می‌شود. با شروع روند انتخابات، مشاهدات در حوزه‌ها نشان



فرهاد فخرآبادی

خبرنگار گروه سیاست

۲۲ سال پیش، در چنین روزی برای دومین بار در تاریخ ایران، انتخابات شوراها شهر و روستا برگزار شد؛ انتخاباتی که هر چند شاید در نگاه اول انتخاباتی عادی و درون‌شهری برای مدیریت یک شهر محسوب شود، اما این انتخابات در همه شئون سیاسی قدرت در پس آن اثرگذار بود. این انتخابات به‌ویژه از آن جهت مهم و حائز اهمیت است که از دل همین انتخابات، شورای شهری روی کار آمد که به مرور زمینه تسلط کامل اصولگرایان بر عرصه‌های قدرت در ایران را فراهم کرد و اصلاح‌طلبان که بال دیگر سیاست داخلی کشور شده بودند را به حاشیه راند.

فضای پیش از انتخابات دومین دوره شورای شهر تهران، از دو جهت فضای خاصی بود. از یک سمت با توجه به اینکه تأیید صلاحیت نامزدهای حضور در شوراها، بر عهده مجلس بود و چتر نظارت استصوابی شورای نگهبان در عرصه شورای شهر گسترده نشده بود، این فضا فراهم شد که تعداد زیادی از چهره‌ها با تفکرات سیاسی متنوع با تأیید صلاحیت توسط مجلس ششم، در انتخابات حضور پیدا کنند؛ به‌گونه‌ای که پس از اعلام اسامی نامزدهای تأییدصلاحیت شده، می‌توان گفت یکی از آزادترین انتخابات‌های تاریخ جمهوری اسلامی ایران رقم زده شد و شهرها

## فضای آن انتخابات با توجه به حاشیه‌هایی که در اواخر دوره اول شورای شهر به وجود آمد، چگونه بود؟ آن حواشی چه تاثیری روی انتخابات داشت؟

بیشتر از آن توان نداشت و نتوانست موثر باشد؛ یعنی نیروهای جبهه مشارکت در شورای شهر، اتفاقاً اینگونه نبود که به اختلافات دامن بزنند، اصلاح‌نقشی در شورای شهر نداشتند. مادر جبهه مشارکت، همراه با وزارت کشور به‌دنبال این بودیم که این آبروزیری را جمع کنیم، منتتهی برخی بی‌انصافی می‌کنند. اگر جزئیات را بدهیم، مشخص می‌شود که جبهه مشارکت از این ماجرا، مبری است. به علاوه، کلاً فضای سال‌های ۸۰ و ۸۱ بعد از آغاز دور دوم آقای خاتمی، به‌گونه‌ای بود که فشارهای سنگینی از جانب جناح‌های رقیب دولت به دولت وارد می‌شد و سنگ‌هایی پیش پای آقای خاتمی و دولت‌اش انداخته می‌شد که همین مسائل، یک فضای عمومی نامآید را در بین نیروهای طرفدار اصلاحات و جامعه مدنی به وجود آورده بود که این دو موضوع، وقتی در آستانه انتخابات دومین دوره شوراها در سال ۸۱ قرار گرفتیم، عملاً منجر به رویگردانی جدی در جامعه شد. البته در عین حال، در همان انتخابات هم اصلاح‌طلبان برآورد درستی از فضای جامعه نداشتند و حتی در ادامه آن فضای اختلافی که در شورای شهر اول به‌وجود آمده بود، هنگام ارائه فهرست انتخاباتی برای شورای شهر دوم هم، این اختلافات اینقدر بالا گرفت که منجر به این شد که لیست‌های متعددی از سمت اصلاح‌طلبان ارائه شود و در غیاب رای‌دهندگان، عملاً همه لیست‌های اصلاح‌طلبان شکست خورد. البته انتخابات از جهت برگزاری، انتخابات آزادی بود؛ شاید آزادترین انتخابات دوران جمهوری

افکار عمومی را متأثر می‌کرد و حاشیه‌هایی برای شورای شهر تهران ساخت که در نهایت هم وزارت کشور دولت آقای خاتمی، شورای شهر اول تهران را در اواخر دوره منحل کرده و این ضربه سنگینی به حیثیت کار شوراها و اصلاح‌طلبان در فضای کاری بود. در شورای شهر اول، سه نفر از جبهه مشارکت حضور داشتند. آقای سعید حجاریان، آقای داوود سلیمانی و آقای محمدحسین حقیقی از جبهه مشارکت در ترکیب شورای شهر اول حاضر بودند که آقای دکتر سلیمانی که قبل از اختلافات استعفا داده بود، نماینده تهران در مجلس ششم شد. آقای حجاریان هم که اواخر سال ۷۸ ترور شده بود و از شورای شهر بیرون آمد. آقای حقیقی هم که تا آخر در شورا بودند، به آن معنا عنصر سیاسی محسوب نمی‌شدند، بلکه یک هنرمند سینماگری بودند که ارتباطاتی هم داشتند و کار تخصصی خودشان را در فضای فرهنگی شهرداری و شوراها دنبال می‌کردند. آنچه که بروز و ظهور بیرونی پیدا کرد، این بود که در اختلافات داخل شورای شهر اول، دعوایی بود که یک طرف آن، آقای عطریانفر قرار داشت که از اعضای شاخص و برجسته حزب کارگزاران بود و طرف دیگر هم آقای اصغرزاده بود که اتفاقاً ایشان هم در آن مقطع از منتقدین جدی جبهه مشارکت بود. در آن دعوای شورای شهر، آقای نوری که زندان بود، آقای حجاریان با آن حالتی که بعد از ترور داشت و در حال درمان بود، تمام تلاش‌اش را کرد که اختلافات این دو جریان را خارج از شورای شهر مدیریت و کنترل کند و اختلافات به سمت حل شدن برود اما نمی‌توانست،

سعید شریعتی:

**سنگ‌هایی پیش پای آقای خاتمی و دولت‌اش انداخته می‌شد که همین مسائل، یک فضای عمومی ناامیدی را در بین نیروهای طرفدار اصلاحات و جامعه مدنی به وجود آورده بود**

**سعید شریعتی:** طبعاً اختلافاتی که برخی از اعضای شورای شهر اول تهران که تماماً هم از نیروهای اصلاح‌طلب بودند تحت تأثیر فضای بعد از دوم خرداد، در سال ۷۷ انتخاب شده بودند، تأثیر داشت. البته شورای شهر اول، پیش از این اختلافات، دچار مشکلاتی از جنس‌های دیگری شده بود. رئیس شورای شهر تهران که آقای عبداللنوری بود، برای انتخابات مجلس ششم از ادامه حضور در شورای شهر استعفا داد ولی تا سرحد استعفای ایشان تا انتخابات، دچار پرونده‌سازی برای روزنامه خرداد شد و در مسیر دادگاه افتاد و بالاخره آقای نوری را به زندان بردند و همین خروج آقای نوری از شورای شهر اول، خودش یک آسیب بود. بعد از آن هم که در اسفند ۷۸ ترور آقای سعید حجاریان اتفاق افتاد و بدین ترتیب رئیس و نایب‌رئیس شورای شهر تهران که نقش محوری در داخل شورا با اعضا و در خارج از شورای شهر با نیروهای سیاسی داشتند، با خروج‌شان عملاً شورای شهر اول در تهران دچار مشکل شد و بعد هم مسائل عجیب و غریبی بین برخی از اعضای شورای شهر اتفاق افتاد که اینها اختلافات سیاسی نبود؛ یعنی به فضای سیاسی بین نیروها و سازمان‌های سیاسی که از این افراد حمایت کرده بودند، ربطی نداشت و بیشتر اختلافات شخصی و فردی بود که به علت اینکه عضو شورای شهر بودند و آن موقع هم فضای رسانه‌ها خیلی گرم بود، این اختلافات تبدیل به دعوایی رسانه‌ای و اختلافات جدی می‌شد که



امیررضا واعظ‌آشتیانی